

کسی که پند ارزان را رد کند، پشیمانی را به بهای زیاد خریداری خواهد کرد.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار سه صد و یازده سه شنبه ۱۳ جوزا / خرداد ۱۳۹۳ ۴ شعبان المعظم ۱۴۳۵ ۳ جون ۲۰۱۴

ماندگار

فرمان تازه رئیس جمهوری به مقام های حکومتی:

در انتخابات بی طرف بمانید



رئیس جمهور کززی با صدور فرمانی از نیروهای امنیتی و کارمندان حکومت خواسته است تا در انتخابات دور دوم بی طرف بمانند و از برگزاری یک انتخابات شفاف و سراسری حمایت کنند.

آقای کززی در فرمان جداگانه‌یی به مقام ها و کارمندان دولتی نیز توصیه کرده تا در انتخابات بی طرف بمانند و از برگزاری انتخابات شفاف حمایت نمایند.

در دور اول انتخابات، شکایت‌هایی از ورود غیرقانونی افراد مسلح به داخل مراکز انتخاباتی و پر کردن صندوق‌های رای به نفع نامزدان دلخواه‌شان...

ادامه صفحه ۶

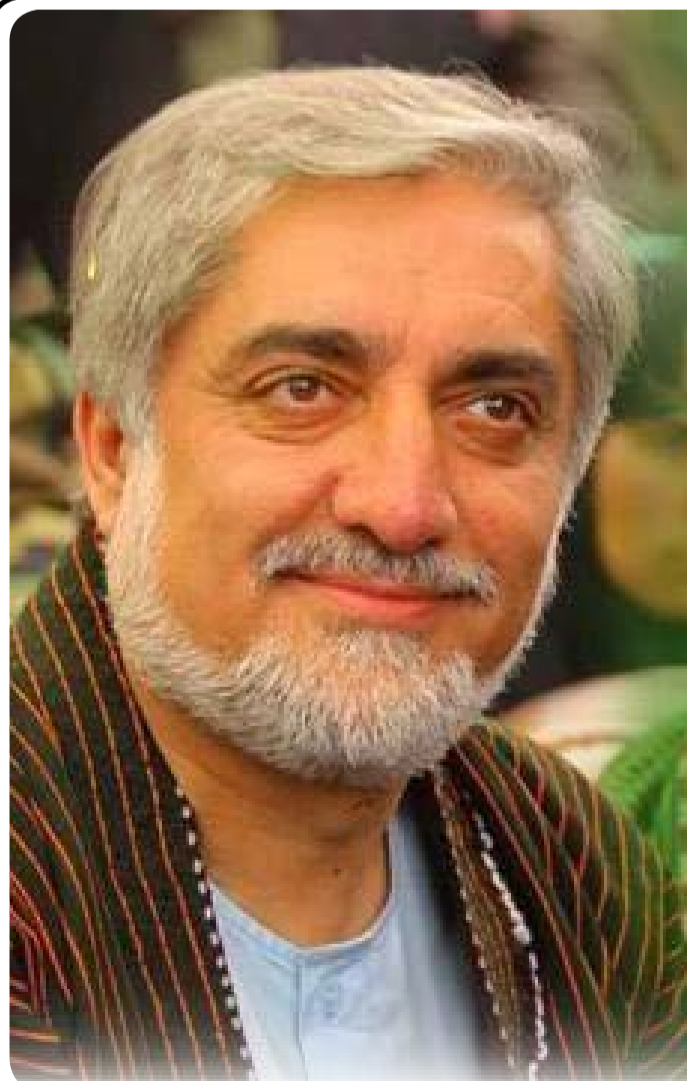


حکومت جدید و اقتصاد فروپاشیده

صفحه ۶

یک کمیشنر کمیسیون شکایات انتخاباتی:

به کمیسیون انتخابات بی باور شده ایم



۲۴ جوزا
روز پیروزی مردم افغانستان
همه باهم به سوی پیروزی
داکتر عبدالله عبدالله
اصلاحات و همگرایی

سخن ماندگار

خطر کاهش مشارکت مردم در انتخابات دور دوم

در حالی که کمتر از دو هفته دیگر به برگزاری انتخابات دور دوم مانده است، گمانه‌زنی‌ها بر آن است که سطح مشارکت مردم در این دور، به نسبت دور نخست کمتر خواهد بود. این گمانه‌زنی هر چند تا اندازه‌ی بدبینانه است، اما اگر به منطق و استدلال این گمانه‌ها توجه شود، تا جایی قابل تأمل می‌نماید. گمانه کاهش سطح مشارکت مردم در انتخابات دور دوم، چند دلیل دارد و این دلایل، ما را وادار می‌دارد که روی چند نکته درنگ کنیم.

نخستین موضوعی که باعث می‌شود کاهش مشارکت در انتخابات پیش‌بینی شود، نفس رفتن انتخابات به دور دوم است. قول معروفی است که هر کار یک‌دفعه‌اش خوش است. مردم یک بار از خانه‌هایشان بیرون آمدند و به‌صورت گسترده در انتخابات اشتراک کردند. اکنون به‌صورت طبیعی، این عطش روانی فرو نشسته است و در واقع به‌طور طبیعی، از شوق عمومی برای اشتراک در انتخابات کاسته شده است. افزون بر آن، انتظار طولانی در صف‌های طویل رای‌دهنده‌گان، خود می‌تواند شمار زیادی را از اشتراک در پروسه رای‌دهی باز دارد. زیرا اکثر مردم، فقیر و در غم نان شب و روز اند؛ انتخابات بدون آن هم، ماه‌هاست که بازار کار مردم را از رونق انداخته و محتمل است که بسیاری، برای اعتراض هم که شده، در این پروسه اشتراک نکنند.

دلیل مهم‌تر دیگر، مسأله اعلام نتایج انتخابات دور اول و مبهم ماندن تقلب‌های انتخاباتی در آن زمان بود. بر بنیاد گزارش‌های مختلف، یک تا دو میلیون رای مردم، سرنوشت‌شان مبهم و مغشوش باقی مانده است. حدس زده می‌شود که این وضع بر کاهش مشارکت مردم در انتخابات دور دوم تأثیر به‌سزایی داشته باشد. البته اکنون هر دو نامزد، برگزاری انتخابات دور دوم را پذیرفته‌اند و تذکری اضافی در این خصوص مطرح نیست. اما با آن‌هم، عمل‌کرد کمیسیون‌های انتخاباتی در دور نخست، سطح مشارکت مردم را در دور دوم پایین خواهد آورد.

مسأله دیگر، امنیت انتخابات است؛ موضوعی که به‌یقین مایه نگرانی مردم می‌باشد. تدارکات و آماده‌گی‌های امنیتی در دور نخست انتخابات، بسیار پُرنگ بود. در هر ساحه، ایست‌های بازرسی و تلاشی‌های گوناگونی به چشم می‌خورد. اکثراً تمام عبور و مرورهای وسایط نقلیه از یک شهر به شهر دیگر و همین‌گونه از کشورهای همسایه به داخل، به‌دقت واری می‌شد؛ اما بر بنیاد گزارش‌هایی که برخی از رسانه‌ها منتشر کرده‌اند، اینک چنین امری به مشاهده نمی‌رسد. بنابراین، تصور می‌شود که آماده‌گی‌های امنیتی در دور دوم به نسبت دور نخست کمتر است و این نکته به خودی خود می‌تواند سطح مشارکت مردم را کاهش بدهد.

موضوع دیگر می‌تواند کم شدن تعداد نامزدان در انتخابات دور دوم باشد. به این معنا که در انتخابات دور دوم، تنها دو نفر به رقابت می‌پردازند، حال آن‌که در دور نخست هفده تن به مصاف هم رفته بودند. این هفده تن در مجموع، از راه‌های مختلف و از مجرای‌های گوناگون، با تمام مردم رابطه قایم کرده بودند که این کار، برای دو تن نامزد دشوار است. با آن‌که همه نامزدان بازنده در ترکیب سندهای انتخاباتی دو نامزد پیش‌تاز حضور پیدا کرده‌اند، اما تردیدی نیست که آن‌ها همه هواداران‌شان را راضی به رای دادن به دو نامزد پیش‌تاز کنونی کرده نمی‌توانند و چه بسا ممکن که شمار قابل توجهی از مردم، آرمان‌ها و آرزوهای‌شان را در چهره دو نامزد کنونی نبینند و بنابراین، در پروسه انتخابات مشارکت نورزند.

به هر صورت، تمام آن‌چه در بالا آمد، قابل تأمل است. هر چند به‌صورت بسیار قطعی محقق نیست. با این‌همه، برای پیش‌بینی و جلوگیری از کاهش سطح مشارکت مردم در انتخابات؛ بر همه‌گان است که برای روز بیست و چهارم جوزا تبلیغات گسترده کنند. این تبلیغ می‌شود از طریق رسانه‌ها، منابر، مساجد، تکایا، مکاتب و... انجام پذیرد. افزون بر آن، تمام شخصیت‌ها و نخبه‌گان ملی کشور نیز باید برای بلند بردن سطح مشارکت مردم دست به کار شوند تا خدای نخواست، نشود که کاهش مشارکت در انتخابات، سبب بحران مشروعیت گردد.

سفیدبختی یک امریکایی و سیاه‌بختی مردم افغانستان

شب گذشته (۱۱ جوزا)، سرخط خبرهای جهان، رهایی سرباز امریکایی از اسارت طالبان و دیدار باراک اوباما رییس‌جمهوری آن کشور با این سرباز و همسرش در کاخ سفید بود. وقتی دیدم که رییس‌جمهوری امریکا با چه شعفی سرباز آزادشده را به آغوش می‌گیرد، واقعاً تعجب کردم. شاید تعجبم برای آقای اوباما هیچ ارزشی نداشته باشد و او بگوید که من مسوولیتم را در برابر یک شهروند و سرباز امریکا انجام دادم. اما آیا آقای اوباما با رهایی این سرباز امریکایی از چنگ طالبان در بدل رهایی پنج فرد کلیدی این گروه از زندان گوانتانامو، توانست نشان دهد که در جنگ با هراس‌افکنی هم پیروز بوده است؟

افرادی که در بدل رهایی بویی برگدال - سرباز امریکایی - رها شدند، افراد کم‌اهمیتی نبودند. آن‌ها سران گروه طالبان بودند؛ همان گروهی که سیزده سال پیش به دنبال حملات خونین و مرگبار یازده سپتمبر به برج‌های تجارت جهانی در امریکا، به‌دلیل دست داشتن در این حادثه و حمایت از گروه القاعده - طراح حادثه یازده سپتمبر - به وسیله ائتلاف جهانی ضد تروریسم از عرصه قدرت کنار زده شد. خوب یادم هست که در آن روز و شب‌ها جورج بوش رییس‌جمهوری وقت امریکا چه‌قدر با احساسات تند از مبارزه با القاعده و طالبان سخن می‌گفت. او حتا این جنگ را به جنگ صلیبی تشبیه کرد که بعد از واکنش مسلمانان، سخنان خود را پس گرفت.

بوش در آن زمان، جهان را به دو اردوگاه تقسیم کرد: یا با ما یا با تروریستان. راه سومی باقی نگذاشت و به همین دلیل همه کشورهای جهان بدون استثنا از مبارزه با تروریسم حمایت کردند. هر چند که ممکن کشورهای مثل ایران و روسیه بر سر تعریف و چه‌گونه‌گی این مبارزه اما و اگرهای زیادی داشتند، ولی نخواستند که اتهام حمایت از تروریست‌ها بر آن‌ها وارد شود و در این مبارزه در کنار امریکا ایستاده شدند.

ادبیات سیاسی آن روزها حال‌وهوای دیگری داشت. بوش می‌گفت رهبران القاعده و طالبان پس از این خواب راحت نخواهند داشت و تاوان کاری را که کرده‌اند، در یک دادگاه علنی پس خواهند داد. او می‌گفت این افراد در هر سوراخی که پنهان شوند، ما (امریکا) اراده قوی داریم که آن‌ها را از پناهگاه‌های‌شان بیرون بکشیم. در آن روزها هیچ جای امنی برای القاعده و طالبان سراغ نمی‌شد. فکر می‌کردی که به‌زودی سران این دو گروه نابود می‌شوند و افغانستان هم در سایه این مبارزه جدی و بی‌امان، به یک وادی امن و به کمک جامعه جهانی به کشوری آباد تبدیل می‌شود.

اما سیزده سال پس از آن واقعه و آن احساسات ضد تروریستی، حالا چه باقی مانده است؟

شاید در سیاست جایز باشد که در برخی لحظات، احساساتی شد و مردم را آرام کرد. شاید در سیاست، تغییر موضع آن‌قدر مهم نباشد. زیرا می‌گویند سیاست حوزه منافع است. پس از سیزده سال حالا اما در ادبیات سیاسی جهان غرب و به‌ویژه امریکا در رابطه با طالبان (که بدون شک می‌تواند شامل القاعده هم شود) تغییری فاحش به چشم می‌خورد؛ تغییری صدوشتاد درجه‌یی. حالا امریکا آستین بر زده و به کمک آقای کرزی از طالبان هویت‌زدایی می‌کند. برای این گروه در قطر دفتر

احمد عمران
انسان دیگری خوشحال نشد؟ مگر ما به عنوان مردمی با فرهنگ، چندصدسال پیش نگفته بودیم که «بنی آدم اعضای یکدیگر اند» و حالا بر در ورودی سازمان ملل به عنوان انسانی‌ترین شعر جهان نقش بسته است.
آقای برگدال خوشبخت بود که رییس‌جمهوری چون اوباما داشت که حتا برای خوشبختی یک فرد هموطنش نیز آرام ندارد. اما افغانستان چی؟ آیا سربازان افغانستان هم خوشبخت‌اند که رییس‌جمهورشان از رهایی قاتلان آن‌ها استقبال می‌کند و آن را گامی به سوی صلح می‌داند؟ کدام صلح و کدام پیروزی؟ طالبان این آزادی را جشن گرفته، چون عزای مردم افغانستان را در بدل رهایی آن‌ها می‌بینند. طالبان گفته که رهایی پنج تن، پیروزی این گروه بوده. اما این پیروزی در بهای خون‌هایی که افراد این گروه ریخته‌اند، به‌دست آمده است.

وقتی آقای اوباما و ملا عمر خوشحال‌اند، حق دارند. یکی، سربازش را نجات داده و دیگری پنج عضو ارشد سازمانش را. اما خوشحالی آقای کرزی و هم‌قطاران او چه



می‌گشاید و مقام‌های آن با طالبان دیدار و گفت‌وگو می‌کنند. طالبان دیگر برای امریکا یک خطر نیست. طالبان برای امریکا دیگر تروریست هم نیست. این کشور مواضع خود را در برابر طالبان کاملاً تغییر داده است. به همین دلیل، پنج فرد کلیدی آن می‌تواند در برابر رهایی یک سرباز، آزاد شوند و آب از آب هم تکان نخورد؛ زیرا امریکا توانسته جان یک شهروند خود را نجات دهد.

مردم امریکا و حتا جهان به آقای اوباما که سربازش را از چنگ طالبان رها کرده، افتخار می‌کنند. آن‌ها بدون شک می‌گویند این رییس‌جمهور چه‌قدر آدم بزرگی است که اسارت سربازش، خواب را از چشمش ربوده بود. بویی برگدال که پنج سال را در اسارت طالبان گذشتاند، خوشبخت بود که دوباره به کانون گرم خانواده‌اش پیوست. واقعا باید برای رهایی او خوشحال بود. مگر می‌شود به عنوان انسان، از آزادی

توجهی می‌تواند برای رهایی طالبان داشته باشد؟
زمانی در جنگ دوم جهانی، داستانی از استالین ورد زبان‌ها شد به این مضمون که پسر استالین که سرباز بود، به اسارت نازی‌ها درآمد. نازی‌ها در بدل رهایی او، از استالین رهبر شوروی سابق درخواست رهایی یک جنرال نازی را کردند. اما استالین به آلمانی‌ها پاسخ داد که «من جنرال را با سرباز معامله نمی‌کنم». همان بود که هیتلری‌ها پسر استالین را کشتند. آقای اوباما برای یک خانواده امریکایی، زمینه چشیدن طعم خوشبختی را فراهم کرد، اما برای مردم افغانستان غم بزرگی را هدیه داد. مردم افغانستان حالا به این می‌اندیشند که این جنگ چند سال دیگر ادامه خواهد یافت و چه‌قدر قربانی دیگر را آن‌ها باید متحمل شوند!

پادشاه اسپانیا از قدرت کناره‌گیری می‌کند



پادشاه اسپانیا از تاج و تخت به نفع ولیعهد این کشور کناره‌گیری می‌کند.

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز، ماریانو راخوی، نخست‌وزیر اسپانیا اعلام کرد: خوان کارلوس، پادشاه ۷۶ ساله اسپانیا به نفع پسرش فیلیپ کناره‌گیری می‌کند. راخوی گفت: پادشاه اسپانیا به من اطلاع داد که تمایل دارد تا تاج و تخت را واگذار کند و این روند به زودی آغاز می‌شود. با این حال راخوی از اعلام زمان دقیق کناره‌گیری کارلوس خودداری کرد چرا که دولت اسپانیا باید قانونی را تصویب کند که مکانیسم حقوقی برای واگذاری قدرت به فیلیپ ۶۶ ساله فراهم شود.

کناره‌گیری پادشاه اسپانیا به ۳۹ سال سلطنت وی که با یک سری رسوایی‌ها همراه بوده است، خاتمه می‌دهد. کارلوس ۷۶ ساله که زمانی از محبوبیت بسیار بالایی برخوردار بود، به گذار اسپانیا به دموکراسی در دهه ۷۰ پس از دیکتاتوری فرانسیسکو فرانکو کمک بسیار زیادی کرد اما طی سال‌های اخیر به دلیل رسوایی‌های فساد مالی و برخی گاف‌ها حمایت‌های مردمی را از دست داد. در حال حاضر پرنسس کریستینا، دختر وی و همسرش در یک پرونده فساد تحت بازجویی قرار دارند.

راخوی گفت: پادشاه که سلامتی‌اش با مشکل روبرو شده است، طی سال‌های اخیر چند عمل جراحی داشته و کناره‌گیری‌اش به دلایل شخصی است.

هنیه:

منفعت استراتژیک ما

تشکیل دولت توافق ملی بود

نخست وزیر حماس تاکید کرد که این جنبش، دولت را با میل و رغبت به دولت توافقی تحویل داده است.

به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، اسماعیل هنیه، نخست وزیر دولت حماس گفت: حماس همواره با وجود اختلافات اخیر با انعطاف پذیری و نرمی برخورد کرد چرا که تمایل داشت شراکت ملی به نتیجه بینجامد.

اسماعیل هنیه در اولین سخنان خود پس از تشکیل دولت توافق ملی اعلام کرد: امروز روز تاریخی است که جانبازی‌های مردم فلسطین آن را رقم زد.

ما با تشکیل دولت دو دستگی‌ها را پشت سر گذاشتیم. ما می‌خواهیم متحد باشیم تا مردم فلسطین به صورت یکپارچه با چالش‌ها مقابله کنند. مذاکره میان فتح و حماس با انعطاف و روحیه مثبت صورت گرفت و حتی تا آخرین لحظات و چند ساعت قبل از تشکیل دولت ما انعطاف بسیاری را نشان دادیم و می‌توانیم بگوییم علی‌رغم برخی اختلافات بر سر تصدی پست وزارت امور خارجه توسط ریاض مالکی ما با انعطاف بسیار عمل کردیم.

هنیه گفت: ما مشکلاتی را که در خصوص وزارتخانه اسیران به وجود آمده بود پشت سر گذاشتیم تا وزارتخانه اسیران باقی بماند. کمی قبل از این که من در این کنفرانس حضور یابم به من اطلاع داده شد که شوقی العیسه به عنوان وزیر اسیران انتخاب شده است. وی گفت: ما و برادرانمان در رام الله انعطاف بسیاری نشان دادیم و این امر به تشکیل دولت توافقی انجامید. منفعت استراتژیک ما تشکیل دولت توافق ملی بود و ما باید در یک جبهه قرار بگیریم. هنیه خاطر نشان کرد: پس از هفت سال از کنترل حماس بر نوار غزه و پایداری در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی ما این دولت را تحویل می‌دهیم. ما این دولت را با اراده ملی و به صورت داوطلبانه و با تمایل خود تحویل دادیم تا مرحله آبی مرحله وحدت و شراکت باشد.

هنیه در خصوص دستاوردهای صورت گرفته در زمان کنترل حماس بر نوار غزه گفت: مقاومت برای ما اولویت بود و ما با مقاومت در جنگ اول و دوم و در آزادسازی اسیرانمان پیروز شدیم و مقاومت توانست قدرت بازدارندگی را به وجود آورد در سایه دولت ما مقاومت بسیار پیشرفت کرد.

علی‌رغم خصومت‌ها و توطئه‌هایی که صورت گرفت اما دولت ما از اصول مساله فلسطین حفاظت کرد. علی‌رغم محاصره‌ها و جنگ‌ها ما توانسته‌ایم از نهادها حفظ کنیم و اجازه فروپاشی نهادها را ندهیم.

قیام پنهان در عربستان سعودی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی بیش از یک سال از دولت عربستان درخواست مصاحبه و اظهار نظر در این مورد کرد، اما هیچ جوابی دریافت نکرد.

در ماه‌های مابین سفرهای ساعت‌ها تصاویری که در اختیارم گذاشته شده بود را با دقت بررسی می‌کردم. در یکی از کلیپ‌ها با کمال تعجب دیدم که یکی از معترضان با هفت تیر به پولیس شلیک می‌کند. معترضان همیشه اتهامات دولت را مبنی بر اینکه آنها در تظاهرات‌ها از سلاح استفاده می‌کنند، تکذیب کرده بودند. من از یکی از فعالان برجسته در مورد استفاده از سلاح سوال کردم. او جواب داد: «مسلم‌اگر نیروهای امنیتی به خانه‌یی حمله کنند، از نظر ما استفاده از هر وسیله‌ای برای دفاع از خود قابل قبول است.»



سال گذشته دریافتم که مرسی الریح، فعالی که در جریان اولین سفرم با من صحبت کرده بود، کشته شده است. دوستانش می‌گویند که او در حالی که برای یک مراسم مذهبی در خیابان‌های عوامیه آماده می‌شده، هدف گلوله مأموران پولیس قرار گرفته است.

اولین امسال هم دو مأمور پولیس کشته شدند. نیروهای امنیتی و معترضان در یک رویارویی خشن‌ت‌بار با هم درگیر شده‌اند. قطیف مثل یک منطقه نظامی شده که ایست‌های بازرسی و خودروهای زرهی آن را در محاصره خود گرفته‌اند. ماندن در این منطقه برای انجام تحقیقات بیشتر برایم خطرناک شد و مجبور شدم کشورم را ترک کنم. اطرافیانم را ترس و سوء ظن فرا گرفته بود، و مخالفت‌ها دوباره به حالت زیرزمینی برگشته است.

آنها همچنین در مبارزه با حکومت بسیار فعال هستند؛ مثلاً یک پوستر چهره ملک عبدالله را پاره کرده، و به آتش کشیدند. انجام چنین کاری برای بسیاری از عربستانی‌ها غیرقابل تصور است.

من در مجامعی پنهانی با ده‌ها معترض ملاقات کردم و برایم روشن شد که مطالبات آنها واحد و یکپارچه نیست، اما همگی خواهان اصلاحات فراگیر هستند. منطقه قطیف بسیار نفت‌خیز است، اما فعالان شیعه می‌گویند که ساکنان این ناحیه از قدیم‌الایام از نظر سیاسی و اقتصادی به حاشیه رانده شده‌اند.

یک روز ماه فبروری سال گذشته پیامی دریافت کردم مبنی بر اینکه نیروهای امنیتی در شهر حساس عوامیه به خانه‌های دو فعال تحت تعقیب بنام‌های فاضل الصفوانی دل و جرأت پیدا کردند

ولایت شرقی محل زندگی اکثر شیعیان عربستان است. آنها کمتر از ۱۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و بسیاری از آنها ادعا می‌کنند که به‌خاطر مذهبشان هدف تبعیض قرار می‌گیرند. اعتراضات در عربستان در اوایل سال ۲۰۱۱ شروع شد. در آن زمان معترضان خواهان آزادی ۹ نفری بودند که سال‌ها بدون محاکمه در زندان بودند.

قیام‌های عربی که سراسر منطقه را فرا گرفت، به معترضان دل و جرأت بیشتری داد، اما در این کشور پادشاهی محافظه‌کار، مخالفت به ندرت تحمل می‌شود. در اعتراضات سه سال اخیر ۲۰ مرد جوان کشته شده‌اند، و صدها نفر دیگر زخمی یا زندانی شده‌اند. تهیه گزارش از این منطقه با چالش‌های زیادی روبرو بود. با اینکه من تبعه عربستان سعودی هستم، ولی رفتن با دوربین از جایی به جای دیگر خیلی سخت بود و ممکن بود بازداشت شوم.

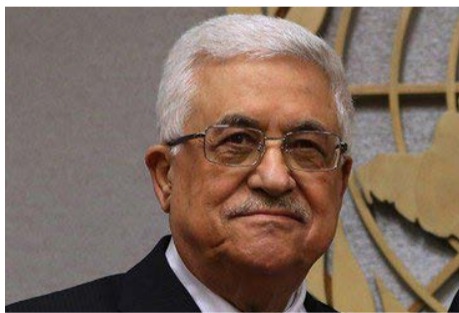
نفس زن بودن کافی است که به‌خاطر ظاهرشان به دردسر بیفتید. یکی از مأموران پولیس مذهبی، یعنی همان نهاد مشهور موسوم به سازمان امر به معروف و نهی از منکر، سر من داد زد، چرا که معتقد بود جلوی عبایم به اندازه کافی بسته نیست.

رانندگان که معمولاً مهاجرانی غیرعربستانی هستند، به شدت به من مشکوک بودند. من در تهیه گزارشم تا حدی به تصاویر نادری که فعالان مدنی در اختیارم می‌گذاشتند، متکی بودم. این تصاویر نشان می‌دهند که این درگیری‌ها تا چه حد پیش رفته‌اند.

رویارویی خشن‌ت‌بار معترضان با دقت فراوان اقداماتشان را مستند کرده‌اند، چرا که می‌خواهند پیامشان را به گوش دیگران برسانند.

عباس:

به زودی به غزه می‌روم



برخوردار بودیم. رییس تشکیلات خودگردان فلسطین افزود: این دولت هیچ ارتباطی با مذاکرات تشکیلات خودگردان فلسطین با طرف اسرائیلی ندارد و ما همچنان به افشاکاری خود درباره مقاصد واقعی اسرائیل در زمینه مصادره اراضی فلسطینی، ساخت شهرک‌ها، ایجاد شکاف بین فلسطینی‌ها و نقض حقوق آنها می‌پردازیم و باید یادآور شوم که نقض حقوق فلسطینی‌ها به علت عدم وجود پاسخ مناسب ما به اسرائیل است. در برابر اقدامات تحریمی‌هایی که اسرائیل از آن صحبت می‌کند سکوت نخواهیم کرد و دیگر زمینه را برای بهانه‌تراشی اسرائیل از بین خواهیم برد.

وی در ادامه به مردم نوار غزه اشاره کرده و گفت: آنان رنج بسیاری را طی سال‌های اخیر در اثر سیاست آپارتید اسرائیل تحمل کردند و تشکیلات خودگردان فلسطین و دولت توافقی در راستای کاهش رنج آنها تلاش خواهد کرد و این وعده را به ساکنان نوار غزه می‌دهم که به زودی به آنجا سفر خواهیم کرد.

اسنودن به دنبال پناهندگی در برزیل

مقاطعه کار سابق آژانس امنیت ملی امریکا که از سوی امریکا تحت تعقیب است و در حال حاضر در روسیه به سر می‌برد، اعلام کرد که به دنبال پناهندگی در برزیل است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ادوارد اسنودن، کارمند سابق آژانس امنیت ملی امریکا به یکی از رسانه‌های برزیل گفت: دوست دارم در برزیل زندگی کنم.

اقامت موقت اسنودن در روسیه در ماه اوت منقضی خواهد شد.

آمریکا پاسپورت اسنودن را باطل کرده و به این ترتیب گزینه‌های سفر وی محدود است.

اسنودن در این مصاحبه خاطر نشان کرد که وی به طور رسمی به چندین کشور برای پذیرفتن درخواست پناهندگی‌اش درخواست داده است.

با این حال وزارت خارجه برزیل اعلام کرده است که هیچ درخواست رسمی برای پناهندگی اسنودن دریافت نکرده است.

کارمند سابق آژانس امنیت ملی امریکا خاطر نشان کرد در ازای پناهندگی و یا در اختیار گرفتن یک پناهگاه امن به کشورها پیشنهاد دادن اسناد سری جدید نداده است چون پناهندگی باید بر اساس دلایل انسان دوستانه به افراد اعطا شود.

با این حال اسنودن تصریح کرد که وی اسناد بیشتری در مورد جاسوسی امریکا از کشورهای از جمله انگلیس و برزیل در اختیار دارد.

بخش نخست

بیماری مادرزادی پرولاپس قلب



فشار خون بالا، بیماری شکر، چاقی و مصرف سگرت از جمله مواردی هستند که بیماری‌های قلبی را تشدید می‌کنند؛ اما در بعضی موارد ناهنجاری‌های قلبی به صورت مادرزادی است. پرولاپس یا ناهنجاری دریچه میترال، یکی از ناراحتی‌های قلبی است که در میان خانم‌ها به‌طور شایع دیده می‌شود و در واقع، بسیاری از خانم‌ها و دختران جوان از پزشکان شنیده‌اند که این بیماری را دارند، اما در مورد آن اطلاعات زیادی ندارند. در این نوشتار سعی می‌شود که آگاهی‌های لازم در مورد این بیماری قلبی، در اختیار شما قرار بگیرد.

نقشه قلب شما

قلب انسان ماهیچه‌ای است که به صورت یک پمپ کار می‌کند و ۴ دریچه دارد. باید بدانید که اختلال در هر کدام از این دریچه‌ها ناراحتی‌ها و بیماری‌هایی جداگانه به همراه علائم گوناگون ایجاد می‌کند. اختلال در دریچه‌های قلب می‌تواند به صورت تنگی، گشادی یا نارسایی خود را نشان دهد که هر کدام از آن‌ها علائم مخصوص به خود را دارند. قلب به دو قسمت چپ و راست تقسیم می‌شود، حرکت و پمپاژ ناحیه چپ قلب باعث گردش خون در کل بدن می‌شود و حرکت قسمت راست موجب گردش خون از قلب به داخل ریه‌ها می‌شود. سمت چپ بدن که کار پمپ قلب به تمام اعضای بدن را انجام می‌دهد، ۲ دریچه به نام‌های میترال و آئورت دارد.

هیجان‌زده نشوید

اختلال در عملکرد دریچه میترال در خانم‌ها به‌خصوص در جوانان شایع‌تر است. همان‌طور که گفتیم دریچه میترال یکی از ۴ دریچه قلب است که بین دهلیز و بطن چپ واقع شده است. خون از ریه وارد دهلیز چپ می‌شود و بعد از طریق دریچه میترال وارد بطن چپ می‌شود، در مرحله بعد با پمپ کردن قلب، از بطن چپ به تمام بدن گردش پیدا می‌کند. این کار در تمام طول عمر انسان به‌طور متوسط ۶۰ تا ۸۰ بار در دقیقه تکرار می‌شود. گاهی شدت پمپاژ، بسته به وضعیت بدن تغییر پیدا می‌کند؛ یعنی در حالت خواب کم می‌شود و در حال بیداری، ورزش، هیجان و اضطراب تعداد ضربان‌های قلب افزایش می‌یابد و حتی ممکن است به ۱۵۰ بار در دقیقه هم برسد.

قلب ۴ صدایی

به‌طور کلی، وقتی دریچه‌های قلب باز و بسته می‌شوند، صدایی تولید می‌کنند که مجموع ۴ صدایی که از این دریچه‌ها ایجاد می‌شود صدای ضربان قلب را در برمی‌گیرند. حال هر کدام یک از دریچه‌ها اختلالی مانند تنگی، گشادی یا پرولاپس صداهای اضافه و غیرعادی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین پزشک متخصص هنگام معاینه با گوش دادن به صدای قلب از طریق گوشی می‌تواند این صداهای غیرطبیعی را بشنود و به این‌که دریچه قلب فرد دچار اختلال شده، مشکوک شود.

تپش قلب را جدی بگیرید

بیماری پرولاپس قلب، ناراحتی‌یی است که از بدو تولد با فرد همراه می‌باشد، اما ممکن است تا سال‌های نوجوانی و جوانی هیچ علامتی از خود بروز ندهد و به تدریج که سن بالا می‌رود، علائمی مانند درد قفسه سینه، احساس فشار در ناحیه قفسه سینه، تپش قلب یا تنگی نفس که در حال فعالیت شدت پیدا می‌کند، در فرد بیمار دیده شوند. این نشانه‌ها ممکن است در سنین جوانی هم بروز پیدا کند.

بخش نخست

هایدگر، کوندرا و دیکنز

نویسنده: ریچارد رورتی

برگردان: هاله لاجوردی

تصور کنید از فردا مللی که «غرب» نامیده می‌شوند، با بمب‌های هسته‌یی از بین بروند و محو شوند. فقط آسیای شرقی و افریقای پیرامون صحرا، مسکونی باقی بمانند و در پی این فاجعه، دست به نبرد بی‌امان غرب‌زدایی بزنند؛ تلاشی نسبتاً موفق برای زدودن خاطره سه صد سال گذشته. اما این را هم تصور کنید که در کشاکش این غرب‌زدایی، شمار اندکی از دانشگاهیان، هر تعداد از یادگارهای غرب را که بتوانند حفظ کنند؛ هر تعدادی از کتب و مجلات و مصنوعات دستی و نسخه‌هایی از آثار هنری و فیلم‌های سینمایی و نوارهای

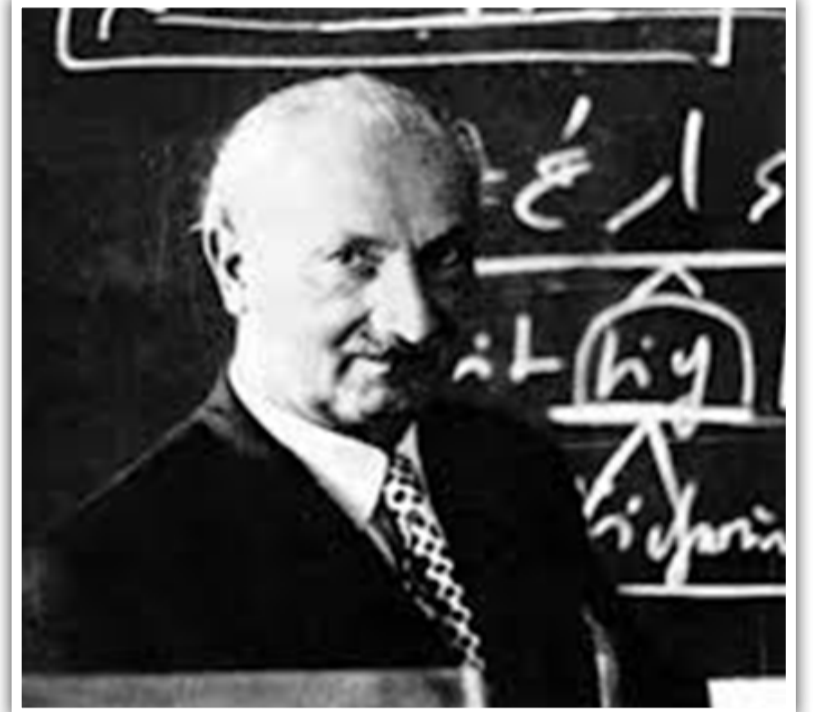
روایت (narrative) سازیم، حوزه‌یی از فرهنگ را «فلسفه» می‌نامیم؛ حوزه‌یی که به ماهیت‌گرایی تمایل دارد. ماهیت‌گرایی از جهات بسیاری پرثمر بوده است. شاخص‌ترین آن‌ها این‌که به ما کمک کرده است تا روابط ریاضی ظریف را در پس حرکات پیچیده و نیز خرده‌ساختارهای واضح را در پس کلان‌ساختارهای شبه‌ناک ببینیم. ولی ما به تدریج در به‌کارگیری ماهیت‌گرایی در امور انسانی، در رشته‌هایی مثل تاریخ و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی دچار تردید شده‌ایم. کوشش برای یافتن قوانین تاریخ یا ماهیت فرهنگ‌ها، یعنی جایگزین ساختن نظریه به جای روایت - تا کمک کنیم خودمان و دیگران و راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی را

خودفریبی ژرف بوده است. تلاش‌های پست‌مدرن برای رسیدن به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری درباره غرب، وسوسه روزافزونی برای مقایسه غرب، به عنوان یک کل، با بقیه جهان، به عنوان کلی دیگر، ایجاد کرده است. چنین کوشش‌هایی استفاده از اصطلاحاتی مثل «شرق» یا «طرز فکر غربی» را هم چون عناوینی برای نوعی نیروی رهایی‌بخش مرموز، یا چیزی که ممکن است هنوز هم امیدی را نوید دهد، تسهیل می‌کند.

من تردید دارم که با این تلاش‌ها بتوان به جمع‌بندی غرب پرداخت و با آن مانند طرحی تمام‌شده برخورد کرد؛ طرحی که هم‌اکنون در موقعیتی است که ممکن است موضوع تحلیل ساختاری قرار گیرد. به‌ویژه می‌خواهم به بدیهی انگاشتن تفسیر هایدگر از غرب اعتراض کنم. گویی تمایل فزاینده‌یی وجود دارد که می‌خواهد آثار هایدگر را پیام نهایی غرب به جهان تلقی کند. با استناد به یکی از محبوب‌ترین عبارات هایدگر، این پیام نهایی سخت مدعی است که «غرب همه امکانات خود را به کار گرفته و به پایان برده است».

هایدگر یکی از بزرگ‌ترین متفکرانی است که اندیشه‌اش عصا تخیلات قرن ماست، اما استعدادهای فوق‌العاده او، پیامش را موجه‌تر از آنچه من فکر می‌کنم واقعاً هست، جلوه می‌دهد. نباید از یاد برد که شعاع تخیلات هایدگر، هرچند بسیار گسترده بود، تا حد زیادی به فلسفه و شعر غنایی محدود می‌شد، یعنی به آثار کسانی که او خود به آن‌ها لقب متفکر یا شاعر داده بود. هایدگر چنین می‌اندیشید که ماهیت یک دوره تاریخی را می‌توان با مطالعه آثار فلاسفه شاخص آن دوره و شناختن برداشت آن‌ها از مسأله وجود کشف کرد. او می‌اندیشید که فهم هرچه بهتر تاریخ غرب در گرو یافتن تحولی دیالکتیکی است که حلقه اتصال آثار متفکران بزرگ فلسفی است که یکی پس از دیگری آمده‌اند. گروهی از ما که به تدریس فلسفه می‌پردازیم، در معرض آسیب‌دیده‌گی از نیروی اغوا کننده تفسیر هایدگر از تاریخ و دورنماهای غرب هستیم، ولی این آسیب‌پذیری نوعی نقص شغلی است که باید برای غلبه بر آن مبارزه کنیم.

در این‌جا می‌خواهم چارلز دیکنز را به عنوان نوع تفکر ضد هایدگری و به‌طور کلی نوع تفکر مابعد هایدگری که غرب را ماجرای پیوسته نمی‌داند، مطرح کنم. اگر آسیایی‌ها و افریقایی‌های تخیلی من بنا به دلایلی ناچار بودند که فقط آثار یکی از این دو را ننگه دارند، من بیشتر ترجیح می‌دادم آثار دیکنز حفظ شود، چرا که دیکنز می‌توانست بسیار بیش از هایدگر یا هر فیلسوف دیگری به آنان در دستیابی به دیدگاه‌هایی که برای غرب، مهم و چه بسا منحصر به فرد بود، کمک کند. دیکنز می‌توانست کمکی باشد تا مردم به جای رساله فلسفی، رمان و به‌خصوص رمان‌های گویای اعتراض اخلاقی را ژانری بدانند که غرب در آن به استادی رسید، تمرکز روی این ژانر به آن‌ها کمک می‌کند که امید به آزادی و برابری و نه تکنالوژی را مهم‌ترین میراث غرب بدانند. از این نظرگاه، کنش و تأثیر متقابل غرب و شرق بیشتر در اجرای سمفونی نهم بتهون به دست دانشجویان میدان تیان آن‌من پکن جلوه‌گر می‌شود تا در صنایع فولاد کوریا یا تأثیر تابلوهای جاپانی بر نقاشان اروپای قرن نوزدهم.



که به یکدیگر ارایه می‌دهیم، بفهمیم - به‌شدت بی‌ثمر مانده است. آثار گوناگونی مثل نوشته‌های کارل پوپر درباره هگل و مارکس، نوشته‌های چارلز تیلور درباره علم اجتماعی تقلیل‌گرا، و آلدرد مک‌اینتایر درباره نقش سنت، به ما کمک کرده‌اند تا به این بی‌ثمری پی ببریم.

به‌رغم رشد روزافزون این آگاهی که عادت‌های فکری ماهیت‌گرایانه ترمیبخش در علوم طبیعی، کمکی به تفکرات سیاسی و اخلاقی نمی‌کند، ما فلاسفه غربی هنوز هم وقتی به مقایسه بین فرهنگ‌های مختلف می‌پردازیم، گرایش آزاردهنده‌یی به ماهیت‌گرایی داریم. این گرایش با وضوح تمام در تمایل اخیر ما به سخن گفتن از «غرب» متجلی است، سخن گفتن درباره غرب نه هم‌چون ماجرای پُردلهره مستمری که ما خود نیز در آن مشارکت داریم، بلکه هم‌چون ساختاری که می‌توانیم از آن قدمی به عقب برداریم تا با حفظ فاصله بررسی‌اش کنیم. این تمایل تا حدودی معلول و تا حدودی علت تأثیر ژرف نیچه و هایدگر بر حیات فکری غرب معاصر است. این تمایل، بازتابی از بدبینی سیاسی - اجتماعی است که از زمان نومییدی ضمنی از سوسیالیسم که با بی‌علاقگی کامل به سرمایه‌داری همراه بود، گریبان‌گیر روشن‌فکران امریکایی و اروپایی شده است. از زمانی که دیگر مارکس در برابر نیچه و هایدگر آلترناتیوی ارایه نداد. این بدبینی که گاهی خود را پست‌مدرن می‌نامد، معتقد است که آرزوی حداکثر آزادی و برابری که مشخصه تاریخ اخیر غرب است، تا حدود زیادی نوعی

ویدیو و سایر چیزهایی را که می‌توان مخفی نگاه داشت.

حال تصور کنید در حدود سال دو هزار و پنج صد میلادی که خاطره این فاجعه از یاد رفته است، درهای مهر و موم‌شده مخفیگاه‌ها باز شوند و دانشمندان و هنرمندان شروع به گفتن داستان‌هایی درباره غرب کنند. داستان‌های فراوان و متفاوتی، با نتایج اخلاقی بسیار متفاوتی گفته خواهد شد. چنین داستان‌هایی ممکن است درباره افزایش مهارت تکنالوژیک، یا درباره توسعه اشکال هنری، یا درباره تغییرات نهاد‌های سیاسی - اجتماعی باشند. ده‌ها موضوع دیگر نیز وجود خواهد داشت که داستان‌سرایان می‌توانند به آن‌ها متوسل شوند. جذابیت و سودمندی نسبی هر داستان، بسته‌گی به نیازهای خاص هر یک از جوامع گوناگون آسیایی و افریقایی خواهد داشت که این داستان‌ها در آن‌ها نشر می‌یابد.

به هر حال اگر در میان مردمانی که این داستان‌ها را می‌سرایند، فلاسفه نیز وجود داشته باشند، می‌توانیم تصور کنیم که بحث‌هایی درباره هر آنچه غربی است، یعنی درباره ماهیت غرب، در خواهد گرفت. می‌توانیم تصور کنیم که فلاسفه چه کوشش‌هایی برای پیوند زدن همه این داستان‌ها به یک‌دیگر و فرو کاستن آن‌ها به یک داستان خواهند کرد؛ یعنی گزارشی حقیقی درباره غرب، گزارشی که معنویت منحصر به فرد غرب را آشکار سازد. تصور ما از فلاسفه این است که آن‌ها میل دست زدن به چنین تلاشی را دارند. زیرا هر گاه تلاش کنیم نظریه را جایگزین

فوکو

در تبیین

زنده‌گی

((آدم‌های

بدنام))

هره روحی

بخش دوم و پایانی

اکنون به نوعی با ایده‌ی جامعه‌شناختی در تبیین نحوه‌ی مشروع‌سازی نظامی سیاسی مواجه هستیم. به هر حال، فوکو به شیوایی می‌گوید: «... در این معنا که هر کسی می‌تواند برای خودش، برای اهداف خاصش و علیه دیگران، از عظمت قدرت مطلق استفاده کند: نوعی قرار گرفتن سازوکارهای حاکمیت در اختیار آن کسی که آن قدر مهارت داشت که این سازوکارها را تصاحب کند... حاکمیت سیاسی در پایه‌ی ترین سطح بدن اجتماعی جا گرفت؛ در نسبت تبعه با تبعه - و گاهی دون پایه‌ترین اتباع - در میان اعضای یک خانواده، در مناسبات همسایه‌گی، منفعت‌طلبانه، حرفه‌یی، رقابتی، یا نفرت و عشق...؛ هر کسی اگر بازی را بلد باشد، می‌تواند به پادشاهی مخوف و بدون قانون برای دیگری بدل شود...» (ص ۲۲۶)

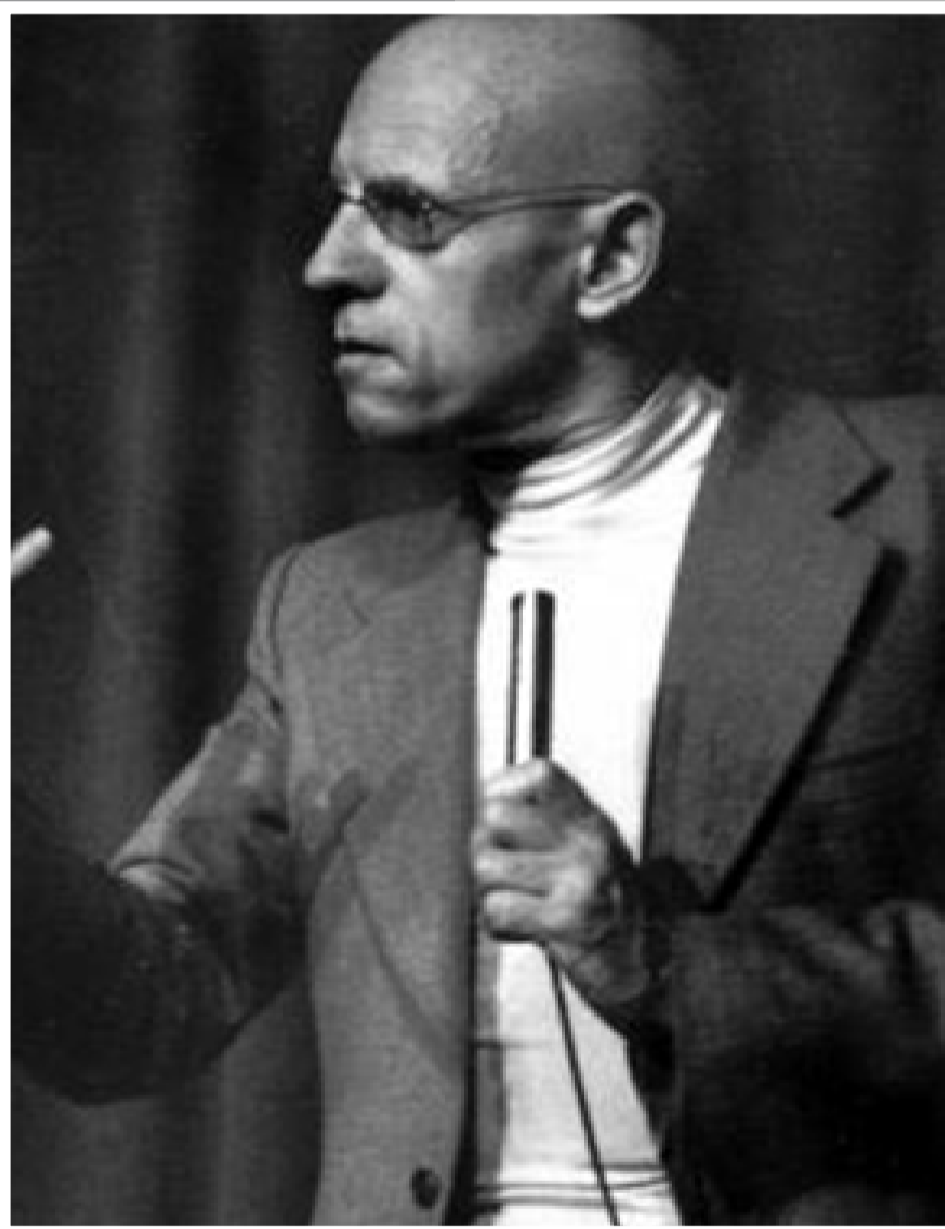
پس باید گفت اقتدار شاهی، حتی برای لحظاتی قابل تصرف است! آن هم از سوی «دون پایه‌ترین» افراد جامعه عصر کلاسیک! البته مشروط به این که از توانایی «بازی» برآید، و یا به عبارتی «قواعد بازی را بداند!» قواعدی که فوکو آن را در نظام «نامه‌های سربه‌مهر»ی یافته است که ادبیات خاصی بر آن حاکم بوده است: متکی بر واژه‌گانی پرمطراق با وظیفه‌یی «اغواگرانه» در «به دام انداختن قدرت». چرا که انتخاب هر کلمه‌یی، در حقیقت حامل قصد نگارنده نامی در به خدمت گرفتن مقداری از اقتدار شاهی به نفع خود بوده است. پس به واژه‌گانی نیاز است که نه تنها توجه شاه را به مسایل «روزمره» برانگیزد، بلکه خللی هم به ساحت اقتدار شاهی در اثر این جابه‌جایی وارد نشود. خللی که می‌تواند ناشی از کنده شدن موقت قدرت از جایگاه عرش باشد که صرفاً برای حل مشکلات زنده‌گی فلان آدم بی‌اهمیت، خود را در خطر آلوده شدن به موقعیت‌های روزمره قرار داده است. از این رو برای محافظت از این خطر «روزمره‌گی» است که ناگزیر نیاز به گفتمان زبانی‌یی پیدا می‌شود که با کلمات پرمطراق، بتواند عریانی مسایل بی‌اهمیت روزمره را بپوشاند و با کلمات ملتسمانه، معترف به جایگاه غیر قابل دسترس شاه و بزرگی و عظمت وی باشد (ص ۲۲۸). فوکو بخشی از یکی از این

نامه‌ها را آورده است: «دوشن کارمند، له شده در زیر بار مفراطین دردها، متواضعانه و با اعتمادی احترام‌برانگیز جسارت می‌کند و خود را به پای اعلی‌حضرت می‌اندازد تا عدالت اعلی‌حضرت را علیه خبیث‌ترین تمام زنان استدعا کند... این بدبخت بی‌نهایت حقیر شده پس از آن که تمامی راه‌های ملامت، سرزنش و مراعات را رفته است تا این زن محروم از هرگونه احساس مذهبی شریف، درست‌کارانه و حتا انسانی را به تکلیفش هدایت کند، آیا نباید امروز به طلب یاری از اعلی‌حضرت امید بندد؟...» (ص ۲۲۲)

اما نکته مهمی که در این سازوکار مشترک و توطیه‌گرایی «گروهی» (بین شاه و اتباع) وجود دارد، و فوکو با هوش مندی بسیار، آن را عیان ساخته است، توانایی «تحریک و برانگیختن» اتباع، از سوی «قدرت» است. یعنی چنان که فوکو آشکار ساخته است، به نظر می‌رسد فقط به واسطه برانگیخته شدن اتباع از سوی قدرت و نیز پاسخ به این برانگیخته‌گی و بالاخره تمنا و تقاضای دعوت از قدرت در ورود به قلمرو خصوصی است که می‌توان از «سبک شدن» اقتدار شاه در مداخله‌یی که در امر روزمره می‌کند، جلوگیری کرد. و باید اعتراف کرد که این کشف بسیار بزرگی است که می‌توان آن را به روان‌شناختی اقتدارهای توتالیتر، مستبدانه، الیگارشیک و

که آن را (این اقتدار بی‌قانون را) بیشتر از اتباع تحت فرمان برداری‌شان به تصاحب خود درآورده‌اند. آری فقط تصاحبی بیشتر و طولانی‌مدت‌تر از توده فرمان‌بردار برانگیخته شده‌یی که برای کسب اندکی از قدرت بی‌قانونی شاه می‌باید دست به «اغوای» او و اقتدار وی بزنند. و فقط از این طریق است که توطئه گروهی بین شاه و اتباع بر ساخته می‌شود. توطیه‌یی که در حقیقت راز بقای بی‌قانونی شاه نیز هست...؛ وانگهی بر اساس تحلیل فوکو و گواهی تاریخ فرانسه، اکنون به یقین می‌توان گفت، خلق جماعت فرصت‌طلب، بی‌تردید می‌تواند یکی از مهم‌ترین تولیدات سازوکارهای «اقتدار بی‌قانونی» باشد. بنابراین برای تحریک توده‌ی فرصت‌طلب (در سهم شدن سازوکار «طرد» و تولید «آدم‌های بدنام» و یا به اصطلاح «مطرودها»)، نخست می‌باید این جماعت به اصطلاح فرصت‌طلب همکار را از طریق تطمیع‌شان در سهم‌بری لحظه‌یی و خُرده‌خواری، در فضای اجتماعی - سیاسی غیردموکراتیک، بر ساخت، و سپس در رابطه‌یی نامشروع و مبتنی بر فساد، با آن‌ها درآمیخت.

بنابراین چنان‌که پیداست، فساد، و تبه‌گنی موجود در وضعیت دوجانبه توطئه گروهی، (شاه و توده فرصت‌طلب) تنها متعلق به جامعه فرانسه در قرون هفده و یا هجده نیست، بلکه اساساً شامل قدرت



در هر نوع و شرایط غیردموکراتیک می‌شود؛ حتی در جوامع حاضر (در هزاره سوم، خصوصاً در جوامع عقب‌مانده و در حال رشد به‌خوبی می‌توان مصداق‌های این کشف فوکو، را پیدا کرد). به هر حال هر جامعه‌یی که به لحاظ فضای سیاسی، «قدرت» در ساختارهایی تهی و فقیر از «حضور همه‌گان» سکونت داشته باشد، بی‌شک می‌تواند نمونه‌یی از درآمیخته‌گی رابطه نامشروع و فسادآمیز قدرت و گروه‌های فرصت‌طلب باشد. جامعه‌یی که گویی مقدر است تا همواره دست به کار ساختن جو تب‌آلود و بیماری باشد که یکی از تولیداتش هذیان‌های شک، تهمت، تحریک و به حاشیه راندن «دیگری» است: جهان سیال بی‌نظمی و بی‌اعتباری، با قدرتی اعجاب‌برانگیز در جابه‌جایی نیروهای شوم و ویران‌گری که بر اساس معماری «طرد و مطرود» بنا شده است... .

خودمحور نیز تعمیم داد. و بدین ترتیب از سازوکار «توطیه‌های گروهی» (شاه - اتباع) پرده برداشت. به هر حال فوکو در این باره اندیشمندانه می‌گوید: «اگر قدرت فقط مراقبت کند، کمین بنشیند، غافل‌گیر کند، منع و تنبیه کند، چه قدر سبک خواهد بود و تخریب بی‌شک چه قدر سهل؛ اما قدرت تحریک می‌کند، برمی‌انگیزد و تولید می‌کند؛ قدرت صرفاً چشم‌وگوش نیست؛ قدرت وادار به عمل کردن و سخن گفتن می‌کند...» (صص ۲۳۱-۲۳۲)

اگر این‌گونه باشد که فوکو می‌گوید، پس احتمالاً می‌توان به سخن وی این را نیز افزود که در عصر کلاسیک جامعه فرانسه، مجازات فلان زن طالع‌بین، فلان پسر ناخلف و الواط، فلان راهب دین برگشته، فلان آدم مطرود و یا...، نه از سوی فردی به نام «شاه» بلکه از سوی «اقتدار بی‌قانونی» انجام گرفته است؛ و در این دوره تاریخی، شاهان فرانسه، فقط کسانی‌اند

باری، بازگردیم به بحث فوکو. از نظر بررسی‌های موشکافانه وی، آنچه باعث ثبت زنده‌گی افراد بی‌اهمیت در سده‌های هفده و هجده میلادی در کشور فرانسه شده است، تلاقی آنان در هیأت «بدنامی» با «قدرت» است. فوکو می‌گوید: «تمام این زنده‌گی‌ها که مقدر بود از زیر هر سخنی رد شوند و بی‌آن‌که هرگز گفته شوند، محو شوند، صرفاً در نقطه تماس آن‌شان با قدرت توانستند اثرهایی به‌جا گذارند - اثرهایی کوتاه، بی‌پرده و اغلب معماوار.» (ص ۲۱۷)

هم‌چون شرح حال به‌شدت مجال‌شده و معماواری که از زنده‌گی راهب از «دین برگشته»-یی به نام «ژان آنتوان توزار»، بستری در کاخ بیستر (در نخستین سال قرن هجده)، این چنین به ثبت رسیده است: «فته‌انگیز، قادر به ارتکاب بزرگ‌ترین جرایم، لواط‌کار، و اگر چنین چیزی ممکن باشد، بی‌خدا. او یک هیولای تمام‌عیار نفرت‌انگیز است که خفه‌کردنش عواقبی کم‌تر از آزاد گذاشتن‌اش دارد» (ص ۲۱۲). و این راهب هیولاواری که خفه‌کردنش امری مستحب (؟) به نظر می‌رسد، فقط از این رو نامش امروز در این‌جا و در زبان و فرهنگی غیر قابل تصور او (در زمان حیاتش)، آورده می‌شود که به گفته فوکو در مواجهه با قدرت قرار گرفته بود. پس این مواجهه‌گی او با «قدرت» است که او را احیا کرده و از تاریکی و مدفون‌شده‌گی در اعماق تاریخ بیرون آورده است

: «آنان به یمن متونی که از آنان سخن می‌گوید به ما رسیده‌اند، بدون داشتن نشانه‌هایی از واقعیت بیش‌تر از آنچه اگر از افسانه طلایی یا رمانی ماجراجویی می‌آمدند. آنان این زیست صرفاً شفاهی را... مرهون ناپدید شدن تقریباً کامل‌شان‌اند، و مرهون آن اقبال یا بداقبالی‌یی که سبب شد چند کلمه اندکی از آنان... اتفاقی در اسناد باز یافته برجا بماند...» (ص ۲۱۹) یا شاید بهتر باشد بگوییم «مرهون بازی توطئه پنهان»ی که سناریوی آن در لابه‌لای واژه‌گان نامه‌های سربه‌مهر شکواییه‌آمیز بین شاه و اتباع، تهیه و تنظیم می‌شد. اما برای این کار، چنان‌که از لحن و کلمات پرمطراق نامه‌ها پیداست، لازم بوده است که شاکیان و متقاضیان تنبیه و یا نابودی فردی دیگر، زنده‌گی خود را در این نامه‌ها به‌مثابه صحنه تیاتر در معرض دید پادشاه به نمایش درآورند. پس «نامه‌های سربه‌مهر»، چنان‌که فوکو نشان‌مان می‌دهد، حکم صحنه نمایشی را داشتند که موفقیت آن‌ها به خوب بازی کردن بازیگرانی بسته‌گی داشت که با واژه‌گانی قدرت‌مندتر و برانگیزاننده‌تر بتوانند شاه و قدرت متصل به آن را، به «اغوای خود» درآورند: «این متون، گدایان، فقیران یا صرفاً آدم‌هایی معمولی را بر صحنه تیاتری غریب می‌آورد و آنان ژست‌هایی به خود می‌گیرند و نطق‌ها و خطابه‌هایی غرا سر می‌دهند و ژنده‌پاره‌هایی می‌پوشند که اگر می‌خواستند بر صحنه قدرت توجهی را به خود جلب کنند، برای‌شان لازم بود... در سده هفدهم و هجدهم، ما هنوز در عصری زمخت و برتر به سر می‌بریم... بدن بینوایان تقریباً مستقیم با بدن شاه رودررو بود و جنب‌وجوش‌شان با مراسم شاهانه رودررو بود؛ زبانی مشترک هم وجود نداشت، بلکه تصادم و برخوردی وجود داشت میان فریادها و آداب و مناسک، میان بی‌نظمی‌هایی که می‌خواهند گفته شود و سخت‌گیری شکل‌هایی که باید از آن تبعیت کرد...» (صص ۲۳۰ - ۲۳۱)

باری، هرچند به نظر می‌رسد به دلیل شرایط غیردموکراتیک حاکم در جهان، هر عصری دارنده «آدم‌های بدنام» متعلق به خود تاریخی - فرهنگی خویش بوده است، اما با این وجود، انسان هزاره سوم به دلیل راه یافتن به شبکه‌های جهانی و از این طریق دست‌یابی به اطلاعات مشترک (و نشر و توزیع بلافاصله‌یی آن)، به این توانایی رسیده است تا محل مطرودشده‌گی خویش را به فضای «قدرت» و ارتباط با «دیگری» تبدیل کند. زیرا با نقب زدن‌های اینترنتی - ماهواره‌یی به خارج از مرزها، تا حد زیادی خود را از موقعیت «حاشیه‌یی» خویش که اقتدارهای رسمی بنا بر سنت دیرینه برای تنبیه وی به کار گرفته بودند، گریخته است. شاید حتا بتوان گفت در آینده‌یی نه چندان دور، دیگر صدای هیچ «آدم بدنامی» را نتوان خفه کرد... .



حکومت جدید و اقتصاد فروپاشیده

ناحیه نوری

رییس‌جمهور تازه، حکومتی با وضعیت اقتصادی بسیار شکننده، عواید ناچیز، فرار سرمایه، فساد گسترده اداری و عدم اعتماد جهان بالای سیستم بانکداری افغانستان را از حامد کرزی تحویل خواهد گرفت.

شماره از آگاهان امور اقتصادی با تأکید بر این مطلب می‌گویند، رییس‌جمهور کرزی حکومتی را با انبوهی از مشکلات به رییس‌جمهور جدید به میراث خواهد گذاشت.

آنان تأکید کردند، اگر بانک‌های افغانستان وارد لیست سیاه شوند، تمویل پروژه‌های توسعه‌ی، انتقال پول دونه‌ها و تجارت قانونی که باید از طریق بانک‌ها انجام شود، به شدت صدمه دیده و بالاخره تجارت غیر قانونی و قاچاق در افغانستان رشد خواهد کرد.

وی تأکید کرد: «به دلیل عدم توجه حکومت به مسایل اقتصادی و به دلیل تطبیق نشدن قانون مبارزه علیه تروریسم و تطهیر پول، قرار است بانک‌های افغانستان وارد لیست سیاه جهانی شود».

به گفته آقای حق‌جو، اگر بانک‌های افغانستان وارد لیست سیاه شوند، تمویل پروژه‌های انکشافی، انتقال پول دونه‌ها، انتقال پول خود افغان‌ها به داخل افغانستان و بالاخره تجارت قانونی که باید از طریق بانک‌ها انجام شود، به شدت صدمه خواهد دید.

وی افزود: «تمام این عوامل سبب می‌شود تا تجارت غیر قانونی و قاچاق در افغانستان رشد کرده و سبب آسیب‌پذیری اقتصاد و کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌ها گردد».

رییس پیشین اتاق‌های تجارت تصریح کرد: «هشتاد درصد بودجه افغانستان توسط دونه‌ها تمویل می‌شود و از طرف دیگر قرار بود که در ۵ ماه نخست سال ۹۹



میلیون افغانی از عواید داخلی جمع‌آوری گردد، اما ما تا حالا فقط توانستیم ۴۱ میلیون جمع‌آوری کنیم و ۸ میلیون دیگر عقب‌استیم و این عقب‌مانده‌گی سبب معطل شدن ده‌ها پروژه‌های انکشافی و در نتیجه سبب بیکاری هزاران نفر گردیده است».

او اضافه کرد: «با توجه به چنین وضعیت اقتصادی و آن هم در آستانه برگزاری دور دوم انتخابات، می‌توان گفت که حامد کرزی حکومتی را به رییس‌جمهور جدید با وضعیت اقتصادی به شدت شکننده و با انبوهی از مشکلات به میراث خواهد گذاشت».

به باور حق‌جو، رییس‌جمهور جدید، حکومتی با وضعیت اقتصادی بسیار شکننده، عواید ناچیز، فرار سرمایه و عدم اعتماد جهان بالای سیستم بانکداری افغانستان را از حامد کرزی تحویل خواهد گرفت که برای جبران آن زمان زیادی نیاز خواهد بود.

همچنان، دکتر سید مسعود استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل می‌گوید: «هرچند حکومت فعلی یک اقتصاد به شدت شکننده را تحویل حکومت جدید خواهد داد؛ اما پس از انتخابات رییس‌جمهور آینده می‌تواند با مدیریت و برنامه‌های منظم اقتصادی این وضعیت شکننده را ترمیم و بازسازی کند».

ولسوالی‌های نامن توسط هلیکوپترها انتقال داده می‌شوند.

قرار است انتخابات دور دوم ریاست جمهوری تا ۱۱ روز دیگر برگزار شود. کمیسیون انتخابات می‌گوید همه آمادگی‌ها گرفته شده و انتقال مواد انتخاباتی بدون مشکل به ولایات منتقل شده است.

نور محمد نور سخنگوی کمیسیون انتخابات گفت: «خوشبختانه امروز انتقالات مواد حساس در ولایت بدخشان از طریق هوا آغاز شده و کمیسیون توانسته تا به چهار ولسوالی بدخشان از طریق هوا مواد را انتقال دهد».

انتقال مواد حساس انتخاباتی که شامل ورق‌های رای دهی، رنگ و فورهای نتایج است، که انتقال این مواد در بیش از ۵۰ ولسوالی توسط هلیکوپتر صورت می‌گیرد. مواد انتخاباتی توسط هلیکوپترهای اردوی ملی به ولسوالی‌های نا امن انتقال داده می‌شود و در صورت نیاز، نیروهای آیساف نیز ابراز آمادگی برای

به باور استاد مسعود، برنامه‌های اقتصادی دکتر عبدالله بسیار بسیار خوب است و برای حل مشکلات اقتصادی فعلی افغانستان می‌تواند بسیار موثر واقع شود.

به گفته استاد مسعود، مساله امضای توافق نامه امنیتی با امریکا، قانون مبارزه با پول‌شویی و انتخابات تاثیر زیادی بر وضعیت اقتصادی افغانستان از یک سال بدین طرف وارد کرده است».

وی افزود، از یکسال بدین طرف مردم افغانستان بنابر دلایلی که گفتیم نمی‌توانند آینده خوبی را برای خود تصویر کنند؛ بنابراین تمام این عوامل سبب رکورد سرمایه‌گذاری گردیده است.

وی اضافه کرد: «از یک سو مدیریت ضعیف دولت فعلی سبب شکننده شدن وضعیت اقتصادی گردیده و از طرف دیگر فشارهای کشورهای همسایه سبب بحران اقتصادی گردیده؛ اما مدیریت و برنامه‌های خوب اقتصادی رییس‌جمهور آینده می‌تواند این مشکل را به ساده‌گی حل کند».

این استاد دانشگاه تصریح کرد: «وعده‌هایی که در دو کنفرانس به مردم افغانستان داده شد و کمک‌های جامعه جهانی پس از انتقال قدرت و فراهم‌سازی زمینه بهتر اقتصادی برای تجار نیز می‌تواند سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را امیدوار سازد تا کارشان را در افغانستان از سر گیرند».

او در مورد قانون مبارزه با پول‌شویی گفت: «هرچند مساله مبارزه با پول شویی باید دو سال قبل حل می‌شد؛ اما بدون شک پس از اعلام نتایج انتخابات یکی از حرف‌های کلان صندوق بین‌المللی پول مساله تطهیر پول خواهد بود».

گفته می‌شود که رفتن بانک‌های افغانستان به لیست سیاه مشکلات زیادی را برای بانک‌های داخلی به‌وجود خواهد آورد و روابط بانک‌های افغانستان با بانک‌های خارجی قطع خواهد شد.

این درحالی است که فساد اداری، اختلاس مقام‌های دولتی، رشوه‌ستانی مامورین عادی و ناکارآمدی ادارات دولتی از مهمترین نگرانی‌ها و دلسردی‌های کمک‌ها و معاملات مالی و تجاری جامعه جهانی به افغانستان است.

پیش از این جامعه جهانی تداوم کمک‌های اقتصادی و مالی‌اش به افغانستان را در دهه تحول به اقدامات جدی و چشم‌گیر دولت افغانستان در مبارزه با فساد اداری و ایجاد حکومت داری خوب مشروط کرده بود و نهادهای کمک‌کننده نیز به دلیل فساد اداری و اختلاس مقام‌های بلند پایه دولتی کمک‌های شان را به افغانستان لغو یا به حالت تعلیق در آوردند و پروژه‌های زیادی به همین دلیل نیمه کاره رها شدند.

و حالا جامعه جهانی منتظر آمدن حکومت جدید و مدیریت و عملکرد این حکومت در برابر فساد گسترده مقامات حکومتی است تا از سرگیری کمک‌های خود را مطابق به عملکرد حکومت جدید عیار سازد.

همکاری کرده است.

کمیسیون انتخابات می‌گوید بیش از ۵۰۰۰ کارمند کمیسیون انتخابات جدیداً استخدام شده و آموزش داده شده‌اند.

با وجود افزایش حملات طالبان در روزهای اخیر، کمیسیون انتخابات می‌گوید آمادگی‌ها برای برگزاری دور دوم انتخابات به صورت عادی به پیش می‌رود و این کمیسیون تاکنون با مشکلی روبرو نشده است.

کمیسیون انتخابات گفت نامزدان و هواداران آن‌ها تلاش نکنند تا با استفاده از زور و پول کارمندان کمیسیون را وادار به تقلب کنند. سخنگوی این کمیسیون گفت: «هیچ کس حق ندارد که به کدام کارمند یا بیرون از کمیسیون پول بپردازد تا به هدف برسد. این مسائل مردود است و هرکسی که در این رابطه اقدام کند باید مجازات شود».

واکنش کاخ سفید به انتقادهای کنگره:

جان کسی را به خطر نیانداخته‌ایم



سخنگوی کاخ سفید در واکنش به انتقادهای کنگره علیه اقدام اخیر واشنگتن برای آزادی نظامی امریکایی تحت اسارت طالبان اعلام کرد، دولت امریکا با این اقدام جان هیچ کسی را به خطر نیانداخته است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، جی کارنی سخنگوی کاخ سفید در واکنش به انتقادهای مطرح شده در قبال اقدام کاخ سفید در معاضه نظامی امریکایی با فرماندهان طالبان اعلام کرد؛ دولت امریکا زنده‌گی هیچ کس دیگری را از طریق مذاکره برای آزادی این زندانی به خطر نیانداخته است.

دو نماینده جمهوری‌خواه امریکا روز شنبه، از باراک اوباما رییس‌جمهور امریکا برای تأیید آزادی پنج زندانی افغان در زندان گوانتانامو در قبال آزادی نظامی امریکایی که ظاهراً ۵ سال در دست طالبان زندانی بوده است، انتقاد کردند. این نماینده‌گان جمهوری‌خواه امریکا تأکید کردند که این اقدام اوباما نقض قانون است.

این جمهوری‌خواهان کنگره هشدار دادند که این تبادل نظامی امریکایی در قبال زندانیان امریکا ممکن است پیامدهایی را برای باقی نیروهای امریکایی به همراه داشته باشد. آنها تصریح کردند: دشمنان تروریستی ما هم‌اکنون انگیزه محکم‌تری برای دستگیری و اسیر کردن امریکایی‌ها دارند. این انگیزه، نیروهای ما در افغانستان و سراسر جهان را در معرض خطر بزرگتری قرار می‌دهد.

هوآرد باک مک کثون جمهوری‌خواه ایالت کالیفرنیا و سناتور جیمز اینهوف از ایالت اوکلاهما در بیانیه‌ی اعلام کرد که اوباما طبق قانون می‌بایست ۳۰ روز قبل از آنکه هر تروریستی از زندان گوانتانامو منتقل شود، کنگره را در جریان قرار دهد و اوباما می‌بایست توضیح دهد که چگونه این تهدید این تروریست‌های آزاد شده تا این اندازه کوچک در نظر گرفته شده است. مک کثون، رییس کمیته نیروهای مسلح مجلس نماینده‌گان امریکا و اینهوف جمهوری‌خواه ارشد کمیته نیروهای مسلح سنا است.

کاخ سفید نیز در پاسخ به آنها گفت که با توجه به فرصتی که برای آزادی برگدال به وجود آمد، این اقدام بسیار سریع صورت گرفت و با در نظر گرفتن شرایط خاص و بحرانی این پرونده، تصمیم برای آزادی و انتقال این زندانیان گوانتانامو علیرغم آنکه باید ۳۰ روز زودتر به کنگره اطلاع داده می‌شد، صورت گرفت.

مقامات امریکایی پیشتر اعلام کردند که «بوئی برگدال» ۲۸ ساله به نیروهای امریکایی تحویل داده شده و از وضعیت سلامتی خوبی برخوردار است و در مقابل، پنج زندانی طالبان از زندان گوانتانامو آزاد شده‌اند و برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که این پنج زندانی به دولت قطر تحویل داده شده‌اند.

باراک اوباما رییس‌جمهور امریکا در بیانیه‌ی گفت که آزادی برگدال «بیانگر تعهد جدی امریکا است مبنی بر اینکه ما هیچ سرباز زن یا مرد خود را در میدان جنگ رها نمی‌کنیم».

چک هیگل، وزیر دفاع امریکا از امیر قطر برای ممکن ساختن آزادی بوئی برگدال سپاسگزاری کرد بوئی برگدال که مشغول خدمت در پایگاهی در ولایت پکتیکا بود، در ماه جون سال ۲۰۰۹ و پس از خروج از این پایگاه ربوده شد.



یک کمیشنر کمیسیون شکایات انتخاباتی:

به کمیسیون انتخابات بی باور شده ایم

کشور شمارش دوباره شود عدالت برقرار خواهد شد و حق به حق دار خواهد رسید. بازشماری صورت گرفته نشان می دهد که شکایت نامزدان شوراهای ولایتی حقیقت داشته و تفاوت زیادی میان ارقام آرا در صندوق رای دهی و برگه های نتایج کمیسیون انتخابات وجود دارد. آقای آریافر نیز گفت: «بازشماری آرا در صندوق ها نشان داد، نامزدان شوراهای ولایتی که در اعلام نتایج ابتدایی بلندترین آرا را در اختیار دارند، در بسیاری صندوق های رای دهی هیچ رای به دست نیاورده اند.»

به باور آقای آریافر، اگر کارمندان کمیسیون انتخابات مسوولانه عمل می کردند، کمیسیون شکایات انتخاباتی با مشکلاتی از جمله شمارش مجدد صندوق های رای مواجه نمی شد. پیشتر نیز نادر محسنی، سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی گفته بود که ثبت حدود سه هزار شکایت از سوی نامزدان شوراهای ولایتی نشان از نارضایتی گسترده نامزدان از کارمندان کمیسیون انتخابات است.

با این حال، عزیز آریافر می گوید که سایه تقلب بر انتخابات شوراهای ولایتی افغانستان سنگینی می کند. آریافر تاکید کرد که شمارش مجدد صندوق های رای، انتخابات دور دوم ریاست جمهوری را تحت شعاع قرار خواهد داد.

در همین حال، مسوولان کمیسیون شکایات انتخاباتی در دومین روز جلسه علنی رسیدگی به شکایات، روز گذشته ۳۴۵ مورد شکایت نامزدان شوراهای ولایتی و ولایت های شمال شرق کشور را بررسی کردند.

عزیزالله آریافر، کمیشنر کمیسیون شکایات انتخاباتی گفت که ۲۱۳ مورد شکایت از چهار ولایت در مورد نحوه و چگونگی برگزاری انتخابات و ۱۴۲ مورد شکایت دیگر در پیوند به اعلام نتایج ابتدایی از سوی نامزدان به ثبت رسیده است.

شکایت تمامی نامزدان معترض به گونه مشابه بوده و از تفاوت ارقام آرا و تقلب از سوی کارمندان کمیسیون انتخابات شاکی بودند. نامزدان شاکی از ولایت های بدخشان، تخار، قندوز و بغلان در جلسه امروز با ارایه اسناد و مدارک خواستار بازشماری تمامی آرا در این ولایات شده اند.

عزیزالله آریافر اما می گوید که در ولایت زون شمال شرق آرای صندوق های رای دهی که مشکل داشته است دوباره شمارش خواهد شد.

قرار است در سومین روز جلسه علنی رسیدگی به شکایت های انتخاباتی امروز (دوشنبه) شکایات ولایت های قندهار، زابل، ارزگان و غور بررسی شود.

نادر محسنی سخنگوی کمیسیون شکایات می گوید که بیشترین شکایت را نامزدان شورای ولایتی قندهار که بیشتر از ۳۰۰ مورد است به ثبت رسانده اند.

پس از صدور حکم شمارش مجدد ۲۸ محل رای دهی در زون شمال کشور از سوی کمیسیون شکایات انتخاباتی، ۷ صندوق رای دهی در ولایت قندوز بازرسی شده است.

عزیزالله آریافر، کمیشنر کمیسیون شکایات انتخاباتی در گفت و گو با خبرنگاری بخدی اعلام کرد که ۷ صندوق رای دهی در ولایت قندوز بازشماری شد که تناقض میان آرا در صندوق های رای دهی و برگه های نتایج کمیسیون انتخابات را فاش کرد.

آقای آریافر می گوید که در صندوق های رای ۳۹۹ رای نامزدان شورای ولایتی و ولایت قندوز موجود است که این تعداد آرا در برگه های نتایج کمیسیون انتخابات و در سایت این کمیسیون وجود



ندارد.

او می گوید که چنین مشکلاتی در ولایت های تخار و بدخشان نیز وجود دارد و نشان دهنده ضعف کاری کارمندان کمیسیون انتخابات و تخلف در انتخابات است.

آقای آریافر گفت که عملکرد نادرست کارمندان کمیسیون انتخابات، مردم افغانستان و کمیسیون شکایات انتخاباتی را نسبت به این کمیسیون بی باور ساخته است.

کمیسیون شکایات انتخاباتی روز (شنبه، ۱۰ جوزا) به تعداد ۲۰۷ شکایت از ولایت های بلخ، سمنگان، فاریاب، جوزجان و سرپل را در جلسه علنی بررسی کرد.

شماری زیادی از نامزدان شوراهای ولایتی ادعا کردند که آرای به دست آمده شان در برگه های نتایج کمیسیون انتخابات وجود ندارد و این نامزدان خواستار شمارش دوباره صندوق های رای شدند.

عزیزالله آریافر می گوید که ۵ صندوق رای دهی روز شنبه و ۷ صندوق روز یکشنبه در ولایت قندوز بازشماری شده است که تفاوت ارقام آرا را نشان می دهد.

او می گوید در صورت که تمامی صندوق های رای دهی در ولایات

داکتر عبدالله در غور و بادغیس



معاونان آقای عبدالله از مردم غور و بادغیس خواسته اند که همانند دور نخست انتخابات به تیم اصلاحات و همگرایی رای بدهند.

داکتر عبدالله در دور نخست انتخابات ریاست جمهوری در دو ولایت غور و بادغیس که از ولایت های محروم کشور محسوب می شود، رأی نخست را به دست آورده بود.

این درحالی است که داکتر عبدالله روز یکشنبه به ولایت دایکنندی در مرکز کشور در جمع هزاران تن از هوادارانش سخنرانی کرد.

داکتر عبدالله عبدالله در ادامه پیکارهای انتخاباتی اش روز گذشته (دوشنبه) به ولایت های بادغیس (غرب) و غور (مرکز) رفت.

داکتر عبدالله که در جمع ده ها هزارتن از شهروندان این ولایت ها صحبت می کرد، گفت که به بادغیس و غور در ۱۳ سال گذشته توجه لازم صورت نگرفته و او در صورت پیروزی وضعیت این دو ولایت را متحول خواهد ساخت.

در این سفر انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله را انجنیر محمد خان و حاجی محمد محقق معاونانش همراهی می کردند.



ورزش

احتمال غیبت ریبری در جام جهانی



روزنامه «اکیپ» فرانسه از احتمال غیبت فرانک ریبری در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل خبر داد.

فرانک ریبری، هافبک فرانسوی که فصل خوبی را در بایرن مونیخ پشت سر گذاشت، ممکن است به دلیل مصدومیت غایب بزرگ بیستمین دوره جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل باشد.

روزنامه «اکیپ» فرانسه خبر داد: هافبک ۳۱ ساله از ناحیه کمر دچار مصدومیت شده و قرار است به زودی تحت

مویس: در منچستر بدشانس بودم



را ترک کردم، پیشنهادهای زیادی به دستم رسیده است اما قصد دارم کمی استراحت کنم و سپس تیم آینده خود را انتخاب کنم. می خواهم فعلا جام جهانی را تماشا کنم و مدتی را در کنار خانواده ام باشم. عجله ای برای انتخاب تیم آینده خود ندارم و می خواهم با صبر و حوصله زیاد تیمم را انتخاب کنم.

مویس در ادامه درباره مربیگری در منچستر یونایتد گفت: در مدت کمی که در منچستر بودم بازیکنان و فرگوسن از من حمایت کردند.

اما در این تیم بدشانس بودم. وقتی سرمربی منچستر شدم، فرگوسن به من توصیه کرد که تیم را دچار چند تغییر و تحول کنم. به نصیحت های او گوش و شروع به این تغییر و تحولات در تیم کردم اما این تحولات در یکی - دو هفته به سرانجام نمی رسد و باید زمان زیادی برای انجام آن داشته باشید.

سرمربی سابق منچستر یونایتد سرانجام به برکناری از این تیم واکنش نشان داد.

دیوید مویس در گفت و گو با روزنامه «ساندی پست» انگلیس گفت: از دوران حضورم در منچستر لذت می برم. فکر می کنم تجربه گرانبهایی کسب کردم که در آینده خیلی به من کمک خواهد کرد. فکر می کنم در حال حاضر تجربه بیشتری نسبت به روزهای اول فوتبالم دارم.

سرمربی سابق منچستر یونایتد در ادامه گفت: از زمانی که یونایتد

مربی آلمان:

در جام جهانی شاهد اوزیل قدرت مند خواهیم بود



سرمربی تیم ملی آلمان به انتقاد از اشتباه های بازیکنانش در بازی دوستانه برابر کامرون پرداخت و گفت: اشتباه های زیادی برابر کامرون داشتیم. مدافعان ما در این دیدار تمرکز همیشگی خود را نداشتند و همین باعث شد گل های بدی دریافت کنیم. فکر می کنم مهم ترین موضوع تیم ما شادابی لازم بازیکنان تیم بود. علاوه بر این بازیکنانم در دادن پاس مشکل داشتند و اشتباه های بسیار بسیار زیادی داشتیم. متأسفانه گل نخست بازی را هم دریافت کردیم و همین باعث شد تا از نظر روحی ضربه بخوریم. شاید اگر می توانستیم گل نخست را به ثمر برسانیم شرایط بهتری پیدا می کردیم.

یوآخیم لوف در پایان درباره سخت گل زدن تیمش، گفت: در طول چند سال گذشته همیشه در زدن گل مشکل داشتیم و نتوانستیم از فرصت های خودمان به بهترین شکل استفاده کنیم. آلمان در گروه G جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل با تیم های پرتغال، غنا و آمریکا همگروه است و در اولین دیدار خود باید با پرتغال دیدار کند.

سرمربی تیم ملی آلمان با دفاع از عملکرد مسوت اوزیل می گوید در جام جهانی شاهد یک اوزیل قدرتمند خواهیم بود.

آلمان شب گذشته برابر کامرون در بازی دوستانه با تساوی دو بر دو متوقف شد.

یوآخیم لوف، سرمربی تیم ملی آلمان پس از توقف تیمش برابر کامرون به انتقادهای از مسوت اوزیل واکنش نشان داد و گفت: همه باید تصور باشیم تا اوزیل به شرایط اوج برگردد. اوزیل در حال حاضر در شرایط خوبی به سر نمی برد و همه این را می دانیم. او به دو هفته دیگر زمان نیاز دارد و سپس یک مسوت اوزیل قدرتمند را در جام جهانی خواهیم داشت.

مدیر مسؤل: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤل توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤلیت دیگر نوشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1311 Tuesday 3 June 2014

DAILY

Mandegar

د بندیانو تبادلہ به طالبانو تبتونو ته وهڅوي

غوښتل چې له امریکا سره مستقیم تماس ولري او دا تماسونه په قطر کې د طالبانو دفتر د جوړېدو له امله پیل شول.

هغه وايي، که څه هم چې ښاغلي کرزي د قطر دفتر وتاړه، خو دواړو لورو د بندیانو په اړه خبرې له هماغه وخته پیل کړې وې، چې بلاخره دواړه لوري خپلو اهدافو ته ورسېدل، امریکا خپل سرتېري له بنده خوشې کړ او طالبانو ته د پنځو مهمو طالب مشرانو خوشېدل لويه بریا ده: ((دا طالب زندانيان چې ټول يې مهم کسان ول، په لوړو امنيتي او دفاعي پوستونو يې دندې ترسره کړې وې. د طالبانو لوی هدف و. يوازې په دې منځ کې افغان حکومت لري پاتې شول، چې د خپل کمزوري بهرني سياست او سالم مدیریت د نشتون له امله ونه توانېد، چې ځان په دې مهمو مذاکراتو کې يوه برخه وگرځوي. حکومت په دې برخه کې کاملاً ناکام دی.))

د نوموړي په وينا، حکومت، د سولي عالي شورا او نورې ټولې خواوې د امریکا او طالبانو له دې بريا بې خبره پاتې شول دا دا مانا هم لري، که چېرې

د سياسي چارو شننونکي وايي، چې د امریکا او طالبانو ترمنځ د بندیانو تبادلہ له نړۍ والو اصولو سره په ټکر دې ده. هغوی وايي افغان حکومت د خپل کمزوري بهرني سياست او عدم مدیریت له امله ونشو کولای له دې مهمې مسالې ځان خبر کړي.

دوی دغه راز زیاتوي، چې د پنځو طالب بندیانو خلاصون به د طالبانو په روحیه مثبت اغېز وکړي. د سياسي چارو کارپوه او د کابل پوهنتون استاد فاروق بشر ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وويل، چې د امریکا او طالبانو ترمنځ د بندیانو تبادلہ له نړۍ والو اصولو سره سم کار نه دی شوی، ځکه افغان دولت ترې بې خبره ساتل شوی دی.

هغه وويل، د يوه امريکايي سرتېري په بدل کې د پنځو طالب بندیانو خلاصون د طالبانو لپاره ښه بریا ده، چې د روحیې په پیاوړتیا کې يې ورسره مرسته کوي.

دی زیاتوي، پر کونړ راکټي بریدونه او پر وړاندې يې د افغان حکومت دريځ، د امنيتي چارواکيو ضد و نقیض څرگندونې او د امریکا دغه تبادلہ د يوې موجودې سردرگمۍ ښکارندوی ده.

ښاغلي بشر وويل، د امریکا او طالبانو د بندیانو تبادلہ له سياسي پلوه د افغانستان په گټه نه ده: ((دا طالبان په پوځي فعاليتونو کې برخه نشي اخيستلي. د امریکا او طالبانو ترمنځ د توافق له مخې به هغوی پنځه کاله به قطر کې وي. يانې هغوی ازاد نه دي، خو له روحي پلوه د طالبانو لپاره گټوره ده. که چېرې دغه طالبان د افغان حکومت په هڅو او خوښه خوشې شوي وای؛ نو له حکومت سره به د طالبانو په روغه جوړه کې گټور وای؛ خو حکومت ترې خبر نه دی.))

د هغه په خبره، که چېرې افغان حکومت امنيتي تړون لاسلیک نه کړي؛ نو اندېښنه نشته چې د نويو کلونو تجربې به تکرار شي، ځکه د ولسمشرۍ دواړو نوماندو ویلي، چې د بريا په صورت کې به له امریکا سره امنيتي تړون لاسلیک کړي.

د کابل پوهنتون دغه استاد زیاته کړه، چې د امریکا او طالب چارواکيو ترمنځ د بندیانو د تبادلې په اړه خبرې له تېرو دوو کلونو راهيسې روانې وې، چې قطر حکومت په کې ډېرې هڅې وکړې او دا ټولې چارې پر افغان حکومت سياسي فشار دی، هغه ډول چې حکومت يې هم ادعا لري: ((افغان حکومت تش په هوا کې پاتې دی. د ديپلوماسۍ پر بنسټ کولای شي اعتراض وکړي چې افغان وگړي بايد له زندانه په خوشې کېدو بل هېواد ته لاړ شي.

د اساسي قانون له مخې هر څوک حق لري چې ازادانه خپل هېواد ته راستون شي؛ خو قطر تر پنځو کلونو پورې دغه طالب مشران نظر بند ساتي. چې حکومت پرې اعتراض لري.))

په همدې حال کې د سياسي چارو بل شننونکي او د کابل پوهنتون استاد محمداصحاق اتمر ماندگار ورځپاڼې ته وويل، طالبانو له ډېر وخت راهيسې

وزارت خارجه افغانستان:

امريکا از ما در برابر پاکستان حمايت کند



وزارت خارجه کشور می‌گوید که افغانستان برای پاسخ به موشک‌پرانی پاکستان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی آماده‌گی می‌گیرد. احمد شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت خارجه کشور روز گذشته در یک نشست خبری گفت که موشک‌پرانی از خاک پاکستان به افغانستان از چند سال به این سو ادامه دارد. او گفت: «همیشه تلاش‌های دیپلماتیک برای حل این مشکل ادامه داشته و دارد و از امروز افغانستان برای پاسخ به این حملات از چند بعد آماده‌گی می‌گیرد؛ سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی و پاسخ نظامی.» وی افزود که از همین رو وزارت خارجه افغانستان یادداشت رسمی به سفارت امریکا در کابل فرستاده و منتظر پاسخ آنهاست.

آقای مستغنی می‌گوید که حملات مرگبار پاکستان به افغانستان نقض صریح حاکمیت ملی و تجاوز آشکار بر قلمرو افغانستان است و بر اساس موافقت‌نامه استراتژیک افغانستان و امریکا، این کشور باید از افغانستان به خاطر دفاع از خاکش حمایت کند. سخنگوی وزارت خارجه می‌گوید که در موافقت‌نامه استراتژیک افغانستان و امریکا آمده: «ایالات متحده امریکا هر نوع تجاوز بیرونی به افغانستان را موجب نگرانی شدید خود می‌پندارد و در صورت وقوع چنین رویدادی هر چه عاجل طرفین با مشورت با یکدیگر پاسخ مناسب به شمول اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی را به توافق هم و مطابق به احکام قانون اساسی شان طرح و تطبیق می‌کنند.»

آقای مستغنی گفت که بنابر این اصل موافقت‌نامه، امریکا و افغانستان باید با تدابیر مشترک در دفع همچو حملات اقدام کنند. سخنگوی وزارت خارجه می‌گوید که بزرگترین نگرانی افغانستان، خدشه‌دار شدن روابط افغانستان و پاکستان و به وجود آمدن حس انتقام‌جویی است. به گفته وی، برای حل مناقشه میان دو همسایه راه‌های دیپلماتیک اولین گزینه و راه حل نظامی آخرین گزینه است. گزارش‌ها حاکی از آن است که در یک هفته گذشته بیش از هزار موشک از خاک پاکستان به مناطقی در ولایت مرزی کنر در شرق افغانستان پرتاب شده‌است. مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که آنها شورشیان مسلح مخالف دولت این کشور را در مناطق مرزی هدف قرار می‌دهند اما ممکن است تعدادی از موشک‌های شلیک شده، از مسیر خود منحرف شده و به خاک افغانستان اصابت کرده باشد. مقام‌های محلی گفته‌اند که برخورد این موشک‌ها به مناطق مسکونی ولایت کنر باعث کشته شدن ۶ نفر و زخمی شدن ۳۸ نفر از شهروندان کنر شده‌است. روز یکشنبه شورای امنیت ملی افغانستان این حملات پاکستان را تلاشی برای اخلال در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خواند. اوایل هفته گذشته هم حامد کرزی، در تماسی تلفنی با نواز شریف، نخست وزیر پاکستان، خواستار اقدام جدی برای توقف این موشک‌پرانی‌ها شد. روز شنبه نیز بسم الله محمدی، وزیر دفاع ملی، پاکستان را به «تجاوز» به افغانستان متهم کرد و گفت که رییس جمهوری دستور داده تا نیروهای نظامی برای پاسخ‌گویی «آماده‌گی» بگیرند.



طالبان په امریکايي اهدافو پسې ونه گرځي، امریکا يې خپل دښمن نه بولي، طالبان هم ورته دريځ لري. ښاغلی اتمر وايي، دا چې د طالبانو له لوري د بندي نیول کېدو او تښتول کېدو پایله ورکړه، طالبان نور هم هڅېږي، چې حکومتي چارواکي او بهرنيان وټښتوي او په بدل کې يې د نورو طالب بندیانو خوشې کېدو هڅې وکړي.

هغه وويل: ((ستونزه دا ده چې د امریکا او افغان حکومت د ستونزو له امله امریکا افغانان له پامه وغورځول. کابل ته د اوباما راتگ، د خپلې تگلارې اعلان او د امریکايي ځواکونو د وتلو د مهالوېش اعلان دا ټول د همدې ستونزو له امله دي. که څه هم چې اوباما وويل، ځواکونه به يې تر ۲۰۱۶ کاله پاتېږي؛ خو هغه ژمني او مرستی چې د افغانستان په اړه يې کړې وې هغه اوس کرار کرار له امریکا له ياده وځي.))

نوموړی زیاتوي چې افغانستان یو ښه فرصت له لاسه ورکړ او ولسمشر کرزي د شخصي گټو لپاره افغانستان کندي ته روان کړی دی.

د سياسي چارو څېړونکي محمداصحاق اتمر، قطر ته د خوشې شويو طالب بندیانو سپارلو ته په اشارې وويل، حکومت باید په دې اړه له امریکا سره خبرې وکړي، چې ولې افغان زندانيان نورو هېوادونو ته د نظر بندۍ لپاره سپاري، دا د حکومت مکلفیت دی چې له خپلو خلکو ساتنه وکړي او په دې اړه له افغانانو سره معلومات شریک کړي.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتار څارچې

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفتار

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۶۰